

فارسی قمی

حمید حسنی

فارسی قمی، علی اشرف صادقی، باورداران، قم، ۱۳۸۰، ۱۵۷ صفحه.

فارسی قمی، علاوه بر پیش‌گفتار و مقدمه، شامل واژه‌نامه، فهرست برخی ضرب‌المثل‌های قمی، و بخش لغات کرمجگانی است.

مؤلف، در پیش‌گفتار، به علاقه خود به گردآوری مواد کتاب از چهل و اندی سال پیش، یعنی از سال‌های ۱۳۳۶ تا ۱۳۳۸ که در دوره دوم دبیرستان سرگرم تحصیل بوده، اشاره کرده است.

در مقدمه، قدیم‌ترین نمونه‌های فارسی قمی درج و ویژگی‌های آوایی آن ذکر شده است. دکتر صادقی، استاد زبان‌شناسی در دانشگاه تهران، که در گویش‌شناسی و گویش‌های ایرانی سابقه ممتد مطالعاتی دارد، به روشی علمی درباره نظام آوایی فارسی قمی، با ذکر مثال‌های روشن به بحث پرداخته است. در پایان مقدمه، به اختصار، به پاره‌ای ویژگی‌های صرفی و نحوی فارسی قمی اشاره شده است.

در «واژه‌نامه»، که بخش اصلی کتاب است و حدود ۱۲۰ صفحه به آن اختصاص داده شده، واژه‌های قمی به ترتیب الفبا و با توضیحات نسبتاً مختصر فهرست شده است.

فارسی قمی، بی‌تردید در پژوهش‌های گویش‌شناختی بسیار مفید خواهد بود و ما انتشار آن را به فال نیک می‌گیریم.

نگارنده، هنگام مرور واژه‌نامه فارسی قمی، میان بعضی از لغات مندرج در آن و برخی عناصر لغوی کردی، از لحاظ ساخت و آوا مشابَهت‌هایی دید که برای مزید فایده

فهرست آنها را ذیلاً عرضه می‌دارد^۱:

فارسی قمی	کردی
آبرود کردن	'āwrût kerdæn
اِبْرَه (بسیار زشت و بدقواره)	'ibrat
آمیونه	'ambâna / hawâna
انجوندن، انجیدن	hanjândæn / hanjænîn / 'anjænîn
انجه‌انجه	hanjəṛ-hanjəṛ
اوسار	hawsâr / 'awsâr
بادیه	bâyya / bâdiya
بالوک، بُلوک	bâfûka (زگیل)
بورون، بوران	bôrân
بی‌غیرت (bî-qîrat)	bê-yîrat
پرکه‌پرکه	bəṛka-bəṛka
پَسک	pasak / pastak
پِشت (در «پِشت‌بون»؛ تلفظ پایین شهر قم)	pəšt
پِشگل	pəškâl
پشه‌کوره	mêša-kwêraʔ
پنتی	pəntî / pîntî
پوش	pûš (گیاه خشک بیابانی)
پهنایی، پهنّا	pânâyî
تارشیدن	tâšîn
تاروندن	târândæn
تمّاته	tamâta
تندور (در «تندورخشک»)	tandûr / tanûr
جِگا (در «جاچگا»)	jêgâ / jêga
جَل (و) جا	jəl-û-jê

۱) ممکن است شمار زیادی از لغات مذکور، به‌جز کردی و قمی، در گویش‌های ایرانی (به‌ویژه گویش‌های مرکزی و غربی) نیز وجود داشته باشند. مراد از کردی، گویش‌هایی از این زبان است که در مغرب ایران و مشرق عراق به آنها تکلم می‌شود.

۲) mēš در کردی به معنی «مگس» است.

کُردی	قمی
čâlî	پالان (۹۶) در روز قمی؛ این موضوع خیلی چال است)
čâla-qursî	پالان در قم
čak	چک
čîla / čîlka	چیله، چیلکه
hâjî-lalaq / hâjî-laqlaq	خاجو لاله، خاجو لاله
xâk-û-xöj ^۲	خاک و خاج
xâm (تاب نخورده؛ متقال)	خام
wurdaw bân (در گویش سنندجی)	تورود شدن در چیزی
dâlî	دال
dəmak / dəmbak	دامبک
das-û-pəl / dast-û-pəl)	دَس و پِل
dužmənâyati / dušmənâyati ^۳	دشمناتی
dûgma	دوگمه
déza	دیزه
dîm ^۴	دیم
rôja	رود
riš-čarmû / riš-čarmog ^۵	ریش، چرمه
zərta	زرت
zardêna ^۶	زردینه
zəl-û-zînû	زُل و زنده
zənjîr / zənjîla	زنجیر، زنجیل
zulûbiyâ	زولویا
sâj	ساج
sâz ^۸	ساز

۲) xâlî: به تنهایی نیز، در کُردی به معنی خنک است.

۳) dâlî: در کُردی پسوند حاصل مصدر ساز است؛ مانند yaki-yati به معنی «اتحاد و یگانگی».

۴) dîma-sôra به معنی «سفیداب» (روشور) است.

۵) çarmû و çarmog در سنندجی مطلقاً به معنی «سفید» است.

۶) zardêna-hêlka نیز گفته می‌شود. hêlka-y dî-zardêna به معنی «تخم دوزرده» است.

۸) در احوال‌پرسی، عبارت kayf-ot sâz-a? یعنی «سرِ حالی؟»، «سرِ کینی؟».

قمی	گودی
سکوی	sakó
سیسنگ	sísærk
سفیدینه	səpiyəna ^۹
شیت شدن	ši būnawa
شیت کردن	ši kərdnawa ^{۱۰}
تابان	tanâf
دورت، (qîrat)	yîrat
قبض شدن	qabz būn
قل زدن	qułt lē-dân / qułt xəstən ^{۱۱}
قمیش	qâmîš / qamîš (نی)
قود	qut / qût
قیچ	qîč (و بزگی کسی که یکی از چشمانش کوچک تر است)
کالیسکه	kâlîska / gâlîska
کپ	kəp
کویل	kasəl
کشیده	kašiya / kašîda
کنا، کله	kul
کُل (در «کُل زدن»)	qułt ^{۱۲}
کُنگ	qułîŋ / qułîŋ
کَلوش (نوعی گیوه)	kəłâš
گریه‌شور کردن	pəšîla-šôr kərdən
گِشتی (در «گِشتی و بانی (بالی)»)	gəšti
ماتل	mâtəl / maħtal
میرنو	məryâw
مَنَهَم	małħam / małħam
میاییجک	małîčək

۹) səpiyəna-bēlka نیز گفته می‌شود.

۱۰) ši būnawa و ši kərdnawa فقط در مورد پنبه و پشم به کار می‌رود.

۱۱) lē-dân (مصدر پیشوندی): «زدن» xəstən (مصدر بسیط): «انداختن».

۱۲) kul نیز در گودی، بن مضارع kulîŋ و kulân به معنی «پختن» (مصدر لازم) است.

<u>کُردی</u>	<u>قمی</u>
naxōš	ناخوش
wardêna	وردینه
hêrəš	هیرش ^{۱۲}
hâw-riš	همریش
hanâsa	هیناس
hâwâr kerdên	هوار کردن

فهرست اہم منابع

بابان، شکرالله، فرهنگ فارسی-کُردی، بی جا، بی ناشر، ۱۳۶۱؛
 خال، محمد، فرهنگ نگلی خال، عراق، سلیمانیه، وزارت معارف، ۳ مجلد، ۱۹۶۰-۱۹۷۶؛
 ذبیحی، عبدالرحمان، قاموسی زبانی کوردی، ارومیه، صلاح الدین ایوبی، جلد اول (ء - ب)، ۱۳۶۷؛
 شرفکندی، عبدالرحمن (ههژار)، هه‌نبانه بۆرینه، تهران، سروش، ۲ مجلد، چاپ اول، ۱۳۶۸-۱۳۶۹؛
 صفی زاده بۆره‌که‌یی، صدیق، فرهنگ ماد، تهران، مؤسسه مطبوعاتی عطایی، ۲ مجلد (ء - ب)، ۱۳۶۱ و
 ۱۳۶۹.

Jaba, M. Auguste, *Dictionnaire kurd-français*, Saint-Petersbourg, [published by] M. Ferdinand Justi, 1879; Wakby, Tawfiq & Edmonds, C. J., *A Kurdish-English Dictionary*, GB, Oxford, 1966.

ژبو، شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

□